

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۰۹ اکتوبر ۲۰۱۸

گزارش سومین کنگره سازمان انقلابی افغانستان

(۴)

اشغال و وضعیت فلاکتبار افغانستان

۱۶ سال از اشغال کشور ما توسط امپریالیست های امریکائی - ناتوئی گذشت. با گذشت هر سال جنایات امپریالیست های اشغالگر بیشتر گردیده و این جنگ ارتجاعی جز تقویت تروریسم، جنایات، کشتار، ستمگری، خونریزی، بردگی سیاسی و اقتصادی برای کشور ما پیامدی نداشته است. تناب اسارت با گذشت هر روز بیش از پیش بر گردن خلقها تنگتر حلقه گردیده و راهی جز قیام همگانی برای تودهها باقی نمانده است.

دولت امریکا که خود القاعده و طالبان و سایر گروه های تروریستی را خلق کرده، قطعاً تا زمانی که به اهداف مشخص خود نرسد، نمی تواند برنامه ای برای از میان بردن این گروهها داشته باشد، الی این که منافع ستراتیژیکش در منطقه طور دیگری ایجاب نماید. امپریالیزم امریکا - ناتو، گروه های تروریستی را برای حرکت چرخ جنگ ارتجاعی نیاز دارد و همین است که به باور ما طالبان، داعش، دولت پوشالی، امپریالیست های امریکائی - ناتوئی و دول مرتجع منطقه (پاکستان، ایران، روسیه، چین، عربستان سعودی، قطر، امارات) بخشی از جنگ ارتجاعی هستند که هر بخش منافع معینی را در این جنگ تعقیب می کنند.

در این بخش اجمالاً به امپریالیست های اشغالگر، نقش دول مرتجع منطقه در تداوم این اشغال، دولت پوشالی، طالبان، داعش و نیروهائی که در خدمت جنگ ارتجاعی قرار دارند، می پردازیم:

۱. امپریالیست های اشغالگر

ایالات متحده امریکا به عنوان بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان و اشغالگر اصلی افغانستان طی ۱۶ سال گذشته بیشترین جنایت را در کشور ما انجام داده و این سلسله همچنان ادامه دارد. دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا قبل از رسیدن به کرسی ریاست جمهوری قسماً پایان جنگ افغانستان و خروج کامل نیروهای امریکائی را از افغانستان مطرح می کرد، اما به مجرد رسیدن به قدرت هیأت عالیرتبه امریکائی را ظاهراً جهت بررسی اوضاع به کشور ما فرستاد و به زودی اعلام کرد که وضعیت جاری نه تنها ایجاب خروج قوای امریکائی را نمی کند، بلکه باید نیروی بیشتری به

افغانستان فرستاده شود؛ و به این ترتیب مثل گذشته تداوم اشغال کشور ما را با اعزام دوباره سربازان امریکائی تأیید کرد.

امپریالیزم امریکا منافع بزرگ و درازمدت در منطقه دارد و افغانستان جهت تحقق این اهداف از جایگاه خاصی برخوردار است که با تغییر رؤسای جمهور در امریکا، ستراتیژی اشغال کشور ما تغییر نمی‌خورد و چانه زنی‌ها بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان بیشتر مصرف داخلی انتخاباتی دارد تا واقعیت. بورژوازی امپریالیستی امریکا نیاز به مواد خام، بازار، نیروی ارزان کار، آبراه‌ها و موقعیت‌های جیوپولیتیک برای محدود کردن عرصه بر رقبای منطقه دارد؛ از اینرو تا این هدف ستراتیژیک را به دست نیاورد، افغانستان را ترک نمی‌گوید مگر این که خلق‌های تهیدست ما به پاخیزند و پوزه ب. ۵۲ اش را بر زمین بمالند و با سر افکنده از این سرزمین بیرون شود.

در کنار امپریالیزم امریکا، کشورهای دیگر امپریالیست بریتانیا، آلمان، فرانسه و سایر کشورهای ممتاز سرمایه داری کماکان به کشتار و جنایت در کشور ما ادامه می‌دهند. این کشورها ضمن این که سیاست‌های امریکائی را حمایت و پشتیبانی می‌کنند، اهداف خود را نیز تعقیب می‌کنند و به اساس سهم جنگ، سهم خود را دریافت می‌دارند.

دولت امپریالیستی امریکا حاضر نیست نقش رهبری کننده اش در جنگ جاری کشور را کم‌رنگ سازد. حضور بالقوه امریکا و پایگاه‌های نظامی او در افغانستان از یکسو می‌تواند تهدیدی باشد برای قدرت‌های بزرگ منطقه مانند روسیه و چین و از سوی دیگر موجودیت ذخایر بزرگ نفت و گاز کشورهای آسیای میانه و طمع دستیابی به این منابع سرشار سبب می‌گردد تا امریکا به هیچ وجه حاضر به از دست دادن این موقعیت مهم و ستراتیژیک نشود. به علاوه، افغانستان با داشتن معادن بزرگ دست نخورده که ارزش آن‌ها به تریلیون‌ها دالر می‌رسد، از اهمیت خاصی برای امپریالیست‌های غارتگر امریکائی برخوردار بوده و این کشور بسیار مایل است که به این گنج‌های بزرگ دست یافته، آن‌ها را غارت نماید. چنانچه روزنامه نیویارک تایمز در گزارشی نوشت که معادن افغانستان توجه دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا را به خود جلب کرده و یکی از دلایل نگهداری سربازان امریکائی نیز همین معادن افغانستان می‌باشد.

۲. سایر امپریالیست‌ها و دول مرتجع منطقه

امپریالیست‌های بزرگ منطقه مانند روسیه، چین و هندوستان که روز تا روز در حال استحکام و توسعه و گسترش نفوذ شان می‌باشند، هر یک به دنبال تحقق منافع ستراتیژیک خود در افغانستان بوده و اهداف معین را دنبال می‌کنند. روسیه از یکطرف به منظور جلوگیری از نفوذ گروه‌های تندرو اسلامی همچون داعش، القاعده و سایر سازمان‌های مرتجع منطقه، نیروهای نظامی خود را در تاجکستان مستقر ساخته و تفاهنامه‌هایی با سایر کشورهای آسیای میانه دارد و از جانب دیگر به خاطر عقیم ساختن برنامه‌های امریکا و ناتو در منطقه با دشمنان دیروز خود مانند ایران و پاکستان دست دوستی داده، تمرینات نظامی مشترک اجراء می‌کند. روسیه به خاطر تحقق اهداف خود در افغانستان حاضر است حتی از سیاه‌ترین نیروی جنگی مانند طالبان حمایت کند.

چین که اکنون دومین قدرت اقتصادی جهان می‌باشد، به منظور دستیابی به بازارهای منطقه و جهان شاهراه‌های جدیدی را احداث می‌نماید که سرمایه‌گذاری در بندر «گوادر»، «راه ابریشم» و «یک کمربند یک راه» از نمونه‌های آنست. در ضمن به خاطر جلوگیری از تهدیدهای امریکا در منطقه با تشکیل گروه شانگهای و افزایش در بودجه نظامی خود می‌خواهد از حالت دفاعی به یک ابرقدرت امپریالیستی تمام عیار تبدیل شود.

هندوستان با رشد اقتصادی و توسعه قدرت نظامی روز افزونش و همچنان نزدیکی با امریکا، با تحت فشار قرار دادن دشمن همیشگی خود پاکستان، می‌خواهد در بخش‌های مختلف اقتصادی افغانستان جایگاه خود را مستحکم سازد. این

کشور سرمایه‌گذاری‌های کلانی در افغانستان و ایران نموده و قراردادهای بزرگ منطقه‌ئی را نیز به امضاء رسانیده است.

اما کشورهای مرتجع منطقه مانند پاکستان، ایران، قطر و عربستان سعودی منافع معینی در منطقه مخصوصاً افغانستان دارند و هریک گروه‌های تندرو وابسته خود را حمایت کرده، در این راستا پول‌های کلانی را به مصرف می‌رسانند.

پاکستان و دستگاه استخباراتی آن به مثابه حامیان اصلی طالبان، داعش، شبکه حقای، لشکر جهنگوی، سپاه صحابه و غیره نقش اصلی را در تشدید جنگ و بحران افغانستان داشته و پایگاه‌های مطمئن این نیروها در خاک پاکستان قرار دارند.

رژیم آخوندی ایران که در جنگ‌های سوریه، عراق و یمن نقش فعال دارد، در قبال افغانستان طی سال‌های اخیر نیز مداخلات چشمگیر داشته و به خاطر عملی‌سازی برنامه‌های تخریبی خود روی بخش‌هایی از گروه طالبان سرمایه‌گذاری کرده، از آنان من حیث ابزار کم مصرف در تطبیق اهداف خود استفاده می‌کند و حتی در قسمت تمویل و تجهیز آنان با روسیه همدستی‌های معین دارد.

عربستان سعودی و شیخ‌های مرتجع قطر، امارات و کویت به خاطر رشد بنیادگرایی و ایجاد کانون‌های اسلام تندرو سرمایه‌های بزرگی را برای ایجاد این مراکز به کار گرفته اند که در کنار تأسیس صدها مدرسه دینی اکنون عربستان می‌خواهد دومین پوهنتون بزرگ اسلامی در سطح جهان را در ولایت ننگرهار اعمار و حمایت مالی کند.

۳. دولت پوشالی

دولت پوشالی ملغمه‌ای از حکومت مصلحتی، فاسد و ناکاره، پارلمان جنگسالار و معامله‌گر، قضاء و عدلیه فاسد و بیروکرات است که در رأس اردو و پولیس آن جنایتکاران جهادی، خلقی - پرچمی‌های فرصت طلب و مطیع غربی‌ها قرار دارند، اراکین آن جز تأمین منافع بادران خارجی، زراندوزی و پُر کردن جیب‌های خود و خانواده‌هایشان به چیزی نمی‌اندیشند.

"غنی" و "عبدالله" در یک مضحکه تاریخی به وسیله "جان کیری" وزیر خارجه حکومت قبلی امریکا به کرسی‌های قدرت نصب شدند. کابینه آن بعد از ماه‌ها چانه زنی در میان دو تیم برسر قدرت با ناکام‌ترین چهره‌ها تشکیل شد. این حکومت دست نشانده و مصلحتی به خاطر راضی ساختن اعضای تیم خود و ائتلافیون شان بدنام‌ترین و جانی‌ترین رهبران و افراد را در قدرت شریک ساخته، تمامی چوکی‌های حکومتی را از رأس نظام گرفته تا والی‌ها و ولسوالان تقسیم نمودند و حتی بعضی از والی‌ها مانند عطا محمد نور چوکی ولایت را چون میراث اجدادی غصب کرده، حکومت پوشالی «وحدت ملی» را به مبارزه طلبید.

پارلمان دولت پوشالی که مرکب از رهبران و قومندانان جهادی، روحانیون متعصب، متنفذین شریر و عناصر فرصت طلب و معامله‌گر می‌باشد، با استفاده از تقلب، زور، پول و دامن زدن به تعصبات قومی، زبانی، سمتی و مذهبی به کرسی‌های پارلمان راه یافته و هر روز جز زراندوزی، سهم شدن در پروژه‌ها، غصب املاک و سفرهای خارجی و امتیازگیری هدف دیگری ندارند.

محاکم و دستگاه‌های عدلی و قضائی فاسدترین بخش نظام را تشکیل می‌دهند که توده‌های مردم از آن‌ها وفیصله‌های غیر عادلانه‌شان سخت متنفر می‌باشند و تا نهایت مجبور نشوند به این دستگاه‌ها مراجعه نمی‌کنند.

شورای علماء و امامان مساجد همه معاش خواران حکومت بوده اما از لحاظ فکری نزدیکی زیاد با طالب و داعش داشته، هیچ گاه نمی‌خواهند علیه آنان تبلیغات نموده و در تقابل با آنان قرار بگیرند.

متنفذین شریب و زورمندان محلی که اکثراً قومندانان و مجاهدین دی دی آر شده می‌باشند با آن که همیشه خود را مدافع دولت و نظام حاکم می‌نامند، اما از نا امنی‌ها و جنگ‌ها سود برده، دوباره خود را تحت نام اربکی، «خیزش مردمی» و پولیس محلی راجستر نموده و از دولت پول، مهمات و امکانات به دست می‌آورند. اینان از یکطرف از سوی جناح‌های بر سر قدرت دولت حمایت و تطمیع می‌شوند و از جانب دیگر با قاچاق مواد مخدر، اختطاف‌ها و جمع‌آوری عُشر و زکات متوسل به هر جنایتی شده و همواره تلاش می‌کنند از جنگ و ناامنی بهره برداری کنند.

تشکیل شوراهای و ائتلاف‌ها از قبیل «شورای حراست و ثبات افغانستان»، «شورای عالی ائتلاف برای نجات افغانستان»، «جنبش روشنائی»، «شورای عالی احزاب جهادی و ملی افغانستان»، «جبهه نوین ملی افغانستان»، «محور مردم افغانستان» و «رستاخیز تغییر» در میان مخالفان و ناراضیان رژیم پوشالی به موضوع روز تبدیل شده است. عده‌ای که کمی دورتر از قدرت هستند می‌کوشند با ساختن ائتلاف‌های قومی، تنظیمی و سمتی برای برنامه‌های سیاسی آینده نیرو جمع‌آوری کنند، اما تعدادی هم هستند که با وجود داشتن پست‌های مهم در نظام بنا به دلایل مختلف از دولت و کم لطفی بادران امریکائی ابراز نارضایتی کرده، به خاطر ایجاد فشار دست به تشکیل ائتلاف‌های تازه زده اند.

کمیسوین حقوق بشر، این نهاد پوشالی که ظاهراً به جمع‌آوری اسناد جنایات جنگی مصروف است، جز به محکوم کردن جنایات مخالفان دولت و سکوت در مقابل استعمار امپریالیست‌ها کاری ندارد، به ویژه در مقابل جنایات و کشتار افراد ملکی توسط بمباردمان نیروهای اشغالگر خارجی سکوت مرگبار اختیار نموده است.

۴. طالبان

برچیدن بساط گروه طالبان در سال ۲۰۰۱ نزد عده‌ای تصور ایجاد کرد که این گروه دیگر کاربردی از سوی امریکا در افغانستان نخواهد داشت، اما رویدادهای بعدی خلاف آن را نشان داد. قوام یافتن مجدد طالبان و ظهور گروه‌های تندرو دیگر در داخل افغانستان و مناطق هم سرحد با پاکستان سبب شد این گروه آهسته آهسته با تسخیر پوستانه‌ها و مناطق کوچک نظامی و به دست آوردن تسلیحات و مهمات تا حدی پیش رفت که باعث سقوط شهرهای بزرگی مانند کندز گردید و مراکز تعدادی از ولایات دیگر مانند، هلمند، فاریاب، ارزگان، فراه نیز با خطر سقوط مواجه شدند و ده‌ها ولسوالی و منطقه دیگر به تصرف طالبان درآمدند. بعضی از کشورهای همسایه مانند پاکستان و ایران و اخیراً روسیه در تسلیح و اکمالات طالبان دست داشته، زمینه را برای بقای شان مساعد می‌سازد.

۵. داعش

پروژه جدید امریکاست که جهت نیل به اهداف استراتژیکیش به همکاری متحدان آن در شرق میانه ایجاد و توسعه داده شد. ایجاد بحران در سوریه، عراق، یمن، افغانستان، افریقا و حتی جنوب آسیا می‌تواند بهانه خوبی برای حضور امریکا در این مناطق و یا سایر نقاط جهان که آینده ایجاب کند، باشد. حضور داعش در افغانستان به خصوص شمال جهت تهدید آسیای میانه، روسیه و چین است و حضور درازمدت امریکا در این کشور را توجیه می‌کند.

۶. جامعه مدنی

یکی از مؤثرترین ابزار امپریالیست ها به ویژه امریکا است که تحت چتر آن طیف وسیعی از رسانه‌ها، انجوها، بنیادها، احزاب و سایر نهادهای طرفدار دموکراسی غربی با تمویل پروژه‌های مختلف از سوی امپریالیست‌ها برای خدمت به استعمار در کشورهای مختلف از جمله افغانستان فعالیت می‌کنند.

در آغاز اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدان ناتوئی‌اش، تبلیغات گسترده غربی‌ها بالای ذهنیت عده‌ای از سازمان‌ها از جمله بعضی از چپ‌ها چنان اثر گذاشت که اشغال آشکار را مداخله مثبت جار زده، تصور می‌کردند که آمدن امپریالیست‌ها بساط فیودالیزم و بنیادگرایی را برچیده و با سرازیر شدن میلیارد‌ها دالر «کمک» غربی‌ها یا به اصطلاح جامعه جهانی فقر و بیکاری در کشور ریشه‌کن شده و افغانستان گل و گلزار خواهد شد. اما غافل از این که هر جا امپریالیست‌ها پای بگذارند جز کشتار، فقر، بیکاری، اعتیاد، افزایش جرایم جنائی، اختطاف، مهاجرت و فرار، خشونت علیه زنان و حاد شدن تضادهای ملیتی و طبقاتی میان اکثریت توده‌های زحمتکش و عده ای قلیل انگل جامعه پیامد دیگری در قبال نخواهد داشت. این واقعیت تلخ را مردم ما طی ۱۶ سال گذشته با گوشت و پوست خود حس کردند. طوری که اکنون دیده می‌شود حاصل یک ونیم دهه اشغال، قرار گرفتن بیش ۶۰ درصد مردم در زیر خط فقر، نزدیک به ۴ میلیون معتاد، بیش از سه و نیم میلیون بیکار، کشتار صدها هزار نفر در اثر انفجار، انتحار و بمباردمان، فاسدترین کشور جهان، ۳ میلیون بیجای شده، بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان، حمایت و شریک ساختن جنایتکاران بزرگی چون "دوستم، خلیلی، محقق، عطا، عبدالله، سیاف" و در آینده "گلبدین و طالبان" در قدرت دولتی بوده و افغانستان به عنوان آزمایشگاه سلاح‌های مخوف و کشنده امپریالیست‌ها مانند «مادر بم‌ها» و غیره سال‌های متمادی از بدبختی رنج خواهد برد.

ادامه دارد.